کد کنترل

402

E

402E

نام:

نام خانوادگی:

محل امضا:

«اگر دانشگاه اصلاح شود، مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

صبح جمعه
۱۳۹۶/۱۲/۴
دفترچه شماره (۲)

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) ــ سال ۱۳۹۷

گروه آزمایشی علوم انسانی
(ویژه رشته زبان و ادبیات عرب ــ کدرشته ۲۱۱۰)

تعداد سؤال: ۶۰

مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

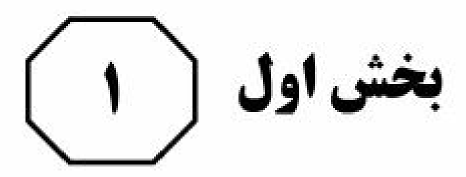
ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	استعداد تحصیلی	۳۰	۱۰۱	۱۳۰
۲	زبان عربی ــ عمومی	۳۰	۱۳۱	۱۶۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین‌حساب مجاز نیست.

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به‌منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب .... با شماره داوطلبی .... در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم. امضا:



راهنمایی:

در این بخش، دو متن به‌طور مجزا آمده است. هر یک از متن‌ها را به‌دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیرِ آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

نگاهی به سیر شکل‌گیری عوامل مزیت‌ساز جوامع در یکصدسال گذشته نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۰۰ میلادی، نیروی کار ارزان مزیت اصلی اقتصادی بوده است. پس از آن، با ظهور و کاربرد گسترده ماشین‌آلات در صنعت، از ارزش نیروی کار ساده کاسته شد و نیاز به مواد اولیه افزایش یافت و به مزیت عمده اقتصادی بدل شد. بعد از آن با رشد و توسعه شبکه حمل‌ونقل و قابلیت جابه‌جایی مواد موردنیاز صنعت، از اهمیت مواد اولیه کاسته شد و عامل سرمایه اهمیت بیشتری پیدا کرد. برخلاف دو عامل جمعیت و منابع اولیه، سرمایه اقتدار خود را تا حدود سال‌های ۱۹۸۵ حفظ کرد تا اینکه به علت انباشت سرمایه و کاهش نرخ، به‌صورت عامل مزیت‌ساز درآمد. مفهوم مزیت نسبی که در تئوری اقتصادی قرون گذشته مطرح بود، کمرنگ شد و مفهوم مزیت رقابتی که اغلب برخاسته از عوامل انسانی بود، جایگزین آن گردید و فنّاوری به صنایع کمک می‌کرد که رقبا نسبت به یکدیگر، مزیت رقابتی بیشتری داشته باشند.

در عصر جدید، شاهد تغییرات قابل‌توجهی در موقعیت اقتصادی کشورها هستیم. دلیل عمده این وضعیت، تغییرات سریع فنّاوری‌های نوین است که وضعیت اقتصاد سنتی را عوض کرده‌اند. [1] دولت‌ها و سازمان‌های پیشرو، در این زمینه، نقش اساسی ایفا می‌کنند و عامل مهمی در شکل‌دهی اقتصاد دانش‌بنیان هستند. [2] دولت‌ها مسئول افزایش کیفیت زندگی افراد جامعه از طرق مختلف، ازجمله افزایش ثروت آنها از طریق رشد اقتصادی، ارتقای ظرفیت‌های فنّاوری و تولید، مشارکت بازار و دولت، توسعه سرمایه‌های انسانی و افزایش دائمی سطح مهارت‌ها، استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی، دانایی، تولید و تجارت بین‌المللی و از همه مهم‌تر، ایفای نقش دولت، نه به‌عنوان بازیگر اصلی، بلکه به‌عنوان پیونددهنده بخش‌های خصوصی داخلی و خارجی و تنظیم‌کننده روابط آنان و تلاش در ارتقای رقابت‌پذیری ملّی با نگاه به بازارهای جهانی درنظر گرفته شده است.

براساس ماده یک قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، «شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به‌منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فنّاوری‌های برتر و با ارزش‌افزوده فراوان، به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود». [3]

تجاری‌سازی اصطلاحی است که تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. برخی آن را صرفاً استانداردسازی عملیات تولید برای ارائه و انتقال دانش فنّی به سایرین دانسته‌اند. برخی تجاری‌سازی را انتقال دانش و فنّاوری از یک فرد یا گروه به فرد یا گروه دیگری به‌منظور به‌کارگیری آن در فرایند تولید محصول و یا یک روش انجام کار تعریف کرده‌اند. در ساده‌ترین تعریف، تجاری‌سازی به انتقال فنّاوری، بسیار نزدیک است، به‌عبارت دیگر فرایند تجاری‌سازی همان فرایند انتقال دانش و فنّاوری از مراکز تحقیقاتی به صنایع موجود یا کسب‌وکارهای جدید است. [4]

به صفحه بعد بروید.

۱۰۱- از متن چنین برمی‌آید که مفهوم مزیت اقتصادی، ....

۱) زمانی نزد اقتصاددانان اهمیت ویژه یافت که ماشین جایگزین نیروی کار انسانی شد
۲) پیش از آغاز قرن بیستم میلادی، بیشتر برمبنای مؤلفه‌ای مربوط به نیروی کار تعریف می‌شد
۳) در یکصدسال گذشته، تحت‌تأثیر جریان سرمایه و نیروی کار بارها بازتعریف شده است
۴) از سال ۱۹۸۵ به بعد، کارکرد سنتی خود را از دست داد و مفاهیم مزیت نسبی و مزیت رقابتی، جایگزین آن شدند

۱۰۲- نقش دولت‌ها و سازمان‌های پیشرو، در کدام زمینه، در متن مورد بحث قرار گرفته است؟

۱) برقراری توازن بینِ مفاهیم مزیت نسبی و مزیت رقابتی
۲) کیفیت بسته‌های حمایتی آنها از شرکت‌های دانش‌بنیان
۳) مدیریت صحیح تغییر و تحولات اقتصادی
۴) مبارزه با اقتصاد سنتی در مقیاس خرد و کلان

۱۰۳- کدام مورد، رابطه بینِ پاراگراف‌های سوم و چهارم متن را به‌خوبی توصیف می‌کند؟

۱) پاراگراف سوم، اهداف پدیده‌ای خاص را برمی‌شمرد و پاراگراف چهارم، یکی از راه‌های دستیابی به آن اهداف را معرفی می‌کند.
۲) پاراگراف سوم، تعریفی را مطرح می‌کند و پاراگراف چهارم، درباره یکی از اجزای آن، بیشتر توضیح می‌دهد.
۳) پاراگراف سوم، تعریفی از واحدهای دانش‌بنیان ارائه می‌دهد و پاراگراف چهارم، دلایلی ارائه می‌دهد مبنی‌بر مرتبط بودن این تعریف با مفهومی خاص.
۴) پاراگراف سوم، موضوع تشکیل مؤسسات دانش‌بنیان را از منظر حقوقی مورد بررسی قرار می‌دهد و پاراگراف چهارم، آن را از دیدگاه تجاری بررسی می‌کند.

۱۰۴- جمله زیر، در کدام‌یک از بخش‌های متن که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، قرار می‌گیرد؟

«در این دوره، اقتصادهایی که بتوانند با علم و دانش، فضای خلاقانه و نوآورانه را در جامعه خود گسترش دهند، توفیق بیشتری خواهند داشت.»

۱) [۴]
۲) [۳]
۳) [۲]
۴) [۱]

به صفحه بعد بروید.

فوکو در آخرین اثر دیرینه‌شناسانه خود، یعنی «دیرینه‌شناسی دانش» که درواقع، مهم‌ترین اثر این دوره اوست و نوعی نظم و نسق بخشیدن به مطالعات روش‌شناسانه‌اش است، توصیفی کامل از دیرینه‌شناسی به‌مثابه روش تاریخی ارائه می‌دهد. فوکو در این اثر از واژه‌ها و اصطلاحات تازه‌ای سود جسته است و مفاهیمی سخت و پیچیده دارد و برخلاف کتاب‌های پیشین او، به هیچ روی، از مصادیق و روایات تاریخی برای روشن ساختن مفاهیم بهره نگرفته است. کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» با اقبالی نظیر کتاب «نظم اشیا» روبه‌رو نشد، اما موجب شد استادان سنتی دانشگاه‌های فرانسه با اندیشه‌های فوکو، جدی برخورد کنند.

کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» با مقدمه‌ای آغاز می‌شود که هدف آن تعیین جایگاه تاریخی روش دیرینه‌شناسی در حوزه‌های علوم رسمی است. فوکو در مقدمه این کتاب، در ابتدا می‌پذیرد که از جهات متعددی، نظیر مسائلی که مطرح می‌کند، ابزارهایی که استفاده می‌کند، مفاهیمی که از درون آن سر برمی‌آورد و نتایجی که کسب می‌کند، کلاً با آنچه تحلیل ساختاری نامیده می‌شود، بیگانه نیست. اما می‌گوید هدف من انتقال روش تحلیل ساختاری به حوزه تاریخ و به‌طور اختصاصی تاریخ دانش نیست. این کتاب با مقایسه دو روش کاملاً متفاوت در نگاشتن تاریخ تفکر آغاز می‌شود. روش اول، در تحلیل‌هایی تجسم می‌یابد که حاکمیت سوژه و شمایل دوقلوی انسان‌شناسی و اومانیسم را حفظ می‌کند، بدین‌ترتیب، تاریخ تفکر به سان استمرار پیوسته و بی‌گسستی تصور می‌شود که محصول آگاهی انسانی خودمختار است. روش دیگری که فوکو هم طرفدار آن است، سوژه خودمختار را از مرکز صحنه خارج می‌کند و بر تحلیل قواعد شکل‌گیری تأکید می‌کند، قواعدی که به‌واسطه آنها، گروهی از گزاره‌ها در حکم علم، نظریه، یا یک متن، وحدت می‌یابند. تاریخ تفکر به اتکای این نوع تحلیل، در زیر لوای پیوستگی‌ها و استمرارهایی که متکی به فرض سوژه خودمختار هستند، پرده از روی گسستگی‌ها، جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌ها برمی‌دارد.

درواقع، در این کتاب، روشی خاص در تاریخ عرضه شده است که در مقابل روش تاریخی سنتی قرار می‌گیرد. فوکو در این کتاب می‌کوشد نظیر لوی اشتراوس در مردم‌شناسی یا لاکان در روان‌شناسی، روشی تاریخی عرضه کند که در آن، انسان نقش کلیدی در تحلیل ندارد. دیرینه‌شناسی دانش متنی است که در پی تقریر توصیف‌هایی درباره حوزه یا حیطه فراموش‌شده‌ای است که روابط میان گزاره‌هاست. اولین پرسش فوکو درباره این حیطه، به معیارهای وحدت هر گروه از گزاره‌ها مربوط می‌شود که به‌نظر وی، ممکن است این وحدت به سبب این موارد باشد: ارجاع به موضوع مشترک تحلیل، وجود شیوه‌های ارجاع معینی یا شیوه بیان، به‌کار بستن نظام مفاهیم ثابت و منسجم، همسانی و پایداری مضمون نظری. فوکو پس از ترسیم خطوط کلی و روشی برای تعیین وجود یا نبود وحدت در گروهی از گزاره‌ها، به پرسش دوم می‌رسد که با توضیح و روشن ساختن مفاهیم و روابط کلیدی، خصوصاً مسائل مربوط به تعریف گزاره و روبط بینِ گزاره، گفتمان و مفهوم کردارهای گفتمانی سروکار دارد.

به صفحه بعد بروید.

۱۰۵- متن به کدام مورد، در ارتباط با کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» فوکو پرداخته است؟

۱) ویژگی‌های محتوایی منحصربه‌فرد آن
۲) تفکیک ساختاری و محتوایی فصول آن
۳) رویکرد تجربی آن به موضوع دیرینه‌شناسی
۴) برتری‌ها و کاستی‌های آن، در مقایسه با آثار دیگر فوکو

۱۰۶- براساس متن، کدام مورد درخصوص کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» فوکو، صحیح است؟

I. به تحریر درآوردن تاریخ تفکر براساس سبکی خاص را نفی می‌کند.
II. از تلفیق دیرینه‌شناسی و تحلیل ساختاری در آن، خبری نیست.
III. از شواهد و مستندات تاریخی، جهت پاره‌ای مفهوم‌سازی‌ها استفاده می‌کند.

۱) I و III
۲) I و II
۳) فقط II
۴) فقط I

۱۰۷- از متن می‌توان نتیجه گرفت در روش تاریخی که فوکو در کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» ارائه می‌دهد، ....

۱) واکنشی مستقیم به کاستی‌های تاریخ‌نگاری سنتی است
۲) گزاره‌ها در ارتباط با هم قابل‌تعریف و دارای کارکرد هستند
۳) تأثیر حوزه‌های دیگر علوم، کاملاً ملموس است
۴) بر محوریت عامل غیرانسانی در تحلیل، تأکید می‌شود

۱۰۸- در کدام جمله از متن، نویسنده آنچه را که قبلاً در متن آمده، روشن‌تر بیان کرده و به‌نوعی از آن، نتیجه‌گیری می‌کند؟

۱) جمله آخر پاراگراف دوم (تاریخ تفکر به اتکای ... جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌ها برمی‌دارد.)
۲) جمله دوم پاراگراف سوم (فوکو در این کتاب ... نقش کلیدی در تحلیل ندارد.)
۳) جمله سوم پاراگراف سوم (دیرینه‌شناسی دانش ... میان گزاره‌هاست.)
۴) جمله پنجم پاراگراف دوم (روش اول ... انسانی خودمختار است.)

پایان بخش اول

بخش دوم



راهنمایی:

برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه‌وتحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را بادقت بخوانید و با توجه به واقعیت‌های مطرح‌شده در هر سؤال و نتایجی که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به‌نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

۱۰۹- براساس نتایج یک پژوهش که به‌تازگی انجام شده است، کودکانی که مهارت خواندن ضعیفی دارند، می‌توانند با مصرف روزانه مکمل‌های اسیدهای چرب امگا-۳ که در غذاهای دریایی و برخی جلبک‌ها یافت می‌شود، مهارت خواندن خود را تقویت کنند. دانشمندان دانشگاه آکسفورد، در این پژوهش، به ۳۶۲ کودک ۷ تا ۹ ساله به مدت ۱۶ هفته، روزی ۶۰۰ میلی‌گرم قرص اسید چرب امگا-۳ دادند. دانشمندان متوجه شدند کودکانی که مهارت خواندن آنها از حدّ عادی پایین‌تر بود، سه هفته پس از مصرف مکمل امگا-۳، مهارت خواندنشان نسبت به کودکانی که دارونما مصرف می‌کردند، تقویت شد.

کدام مورد، درصورتی‌که صحیح فرض شود، به بهترین وجه، یافته حاصل از مطالعه فوق را تضعیف می‌کند؟

۱) بسیاری از معلمان بر این باورند که دارودرمانی نمی‌تواند ضعف مهارت خواندن را در دانش‌آموزان بهبود بخشد و آنچه این کودکان لازم دارند، آموزش بیشتر و بیشتر در این زمینه است.

۲) والدین کودکانی که در گروه دریافت‌کنندگان امگا-۳ قرار داشتند، برای دنبال کردن روند پیشرفت کودکانشان، روزانه با آنها متن‌خوانی می‌کردند.

۳) کودکانی که قرص امگا-۳ دریافت می‌کردند، از دلیل اینکه چرا باید آن قرص را روزانه مصرف می‌کردند، آگاه نبودند.

۴) تعداد کودکانی که افت تحصیلی آنها به‌خاطر ضعف در مهارت خواندن است، بیش از حدّ تصور ما است.

۱۱۰- دانشمندان به‌تازگی دریافته‌اند قدرت یادگیری مغز انسان، با بالا رفتن سن از بین نمی‌رود و بزرگسالان نیز می‌توانند موضوعات ناشناخته و جدید را بیاموزند؛ تنها کافی است راه درستی برای آن انتخاب کنند. بسیاری از افراد در جامعه وجود دارند که در سنین بالا، تصمیم به ادامه تحصیل در رشته‌ای جدید می‌گیرند یا تلاش می‌کنند زبانی جدید بیاموزند، درحالی‌که از دید جامعه، سن آنها برای یادگیری مهارت‌های جدید، بیش از اندازه بالاست. همین دیدگاه رایج، باعث می‌شود افراد مسن نسبت به قدرت یادگیری مغز و جذب اطلاعات توسط حافظه‌شان، تردید داشته باشند. اما اکنون دانشمندان دریافته‌اند که این نگرانی‌ها بیهوده است. کارشناسان روان‌شناسی شناختی و پژوهشگران حوزه آموزش، امروزه همگی معتقدند مغز انسان ظرفیت و انعطاف‌پذیری خود را تا پایان عمر حفظ می‌کند.

کدام مورد، درصورتی‌که صحیح فرض شود، می‌تواند به تقویت استدلال فوق کمک کند؟

۱) ابراز اطمینان دانشمندان درباره مسائل علمی مختلف، همیشه با درصدی از خطا که خود نیز می‌پذیرند، همراه است.

۲) اگر کسی حتی در سنین جوانی، به قدرت حافظه خود شک کند، به‌رغم جوانی، نمی‌تواند دقیقاً هرآنچه می‌خواهد را تمام و کمال فرا بگیرد.

۳) ظرفیت یادگیری انسان، عاملی است که تابع متغیرهای گوناگون می‌باشد که سن و تیپ شخصیتی، دو نمونه مهم از آن متغیرها هستند.

۴) افرادی که در سنین بالا تصمیم به ادامه تحصیل می‌گیرند یا سعی می‌کنند مهارت جدیدی را فرا بگیرند، در نیل به هدف خود موفق می‌شوند.

به صفحه بعد بروید.

۱۱۱- مکرراً با دانش‌آموزان کمال‌گرا برخورد داشته‌ام. آنها معمولاً کمال‌گرایی خود را به این صورت نشان می‌دهند: اعتمادبه‌نفس پایین در پاسخ دادن به سؤالات دارند. به‌جز زمانی‌که مطمئن هستند کارها را صددرصد درست انجام می‌دهند، تمایلی به شروع تکالیف ندارند. معمولاً در شروع کارها مردد هستند. اکثر اوقات احساس خشنودی از نتایج زحمات خود ندارند، حتی هنگامی‌که دیگران کاملاً راضی هستند. وقتی اشتباه می‌کنند و نمره پایین می‌گیرند یا کسی نمره بهتری از ایشان می‌گیرد، شدیداً ناراحت می‌شوند. به‌علت دقت زیاد و نگرانی شدید از اشتباه کردن بسیار کند هستند. دائماً دوباره‌کاری می‌کنند تا خیالشان راحت شود که به بهترین روش جلو می‌روند. زودتر از دیگران (حتی زودتر از دانش‌آموزان ضعیف‌تر از خود) دچار خستگی تحصیلی می‌شوند. افت اعتمادبه‌نفس، هدر رفتن زمان شخص، افت تحصیلی، افزایش احتمال ایجاد اضطراب و افسردگی، کاهش انعطاف‌پذیری و از دست دادن موقعیت‌های مناسب در زندگی، ازجمله عوارض کمال‌گرایی است.

کدام مورد، درصورتی‌که صحیح فرض شود، با توصیف متن از یک کمال‌گرا، بیشتر مطابقت دارد؟

۱) به‌دلیل تشویش و نگرانی حاصل از روحیه رقابتی خود، تمایلی به همکاری و کار گروهی، حتی وقتی می‌داند نتیجه بهتری به بار می‌آورد، از خود نشان نمی‌دهد.
۲) هر کاری را که به او محول می‌شود، قبول می‌کند ولی وقت کافی برای انجام آن نیافته و لذا اعتمادبه‌نفس خود را از دست می‌دهد.
۳) به‌دلیل نگرانی ذاتی، هیچ‌گاه حتی وقتی از دیگران کاری را بهتر انجام می‌دهد، احساس رضایت نمی‌کند.
۴) موقعیت مناسبی برای پیشرفت را به‌دلیل ترس از آنکه نتواند در آن موفق باشد، کنار می‌زند.

۱۱۲- خانم «الف»، کارشناس هنری و مدرس دانشگاه، درباره تجربیات شخصی‌اش از تخریب مؤلفه‌های شهری می‌گوید: «تجربه‌ای که شخصاً با آن درگیر شدم، مربوط به مؤلفه‌های شهری بوده که نوروز ۹۶ در سطح شهر نصب شد. دو تا از آثار، با کیسه‌های دوخته‌شده ساخته شده بود که در دور ستون‌های اتوبان و خیابان شهری پیچیده و عروسک بزرگی را می‌ساختند. یک عروسک چهارده متری و چهار عروسک چهار متری ... . کار در مناطق پرتردد و شلوغ شهر نصب می‌شد. با اینکه این حجم باید برای کودکان جذاب می‌بود، ولی آنها با تعجب نگاه می‌کردند، دور عروسک‌ها می‌چرخیدند و عکسی به یادگار می‌گرفتند، اما این افرادِ بزرگ‌تر بودند که از سر کنجکاوی یا شوخی، به کیسه‌ها ضربه زده ....»

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می‌کند؟

۱) و تعجبشان را نشان می‌دادند
۲) تا مصنوعی بودنشان را به کودکان نشان دهند
۳) و یا سعی در کندنشان می‌کردند
۴) تا ارزش واقعی آنها را عیار بزنند

به صفحه بعد بروید.

۱۱۳- با تمرکز بر تأثیر چگونگی تغییرات شغل بر سلامت انسان، جامعه‌شناسان ۱۱۱۶ بزرگسال بریتانیایی را در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ که بیکار بودند، مورد مطالعه قرار دادند و متوجه شدند کسانی‌که به‌دنبال یافتن شغل مناسب‌تری بودند، پس از به‌دست آوردن شغل موردنظرشان، سلامت روانی خود را توانستند بهبود ببخشند، ولی کسانی‌که مشاغل پرتنش، کم‌درآمد و یا نامناسبی به‌دست آورده بودند، نشان دادند که در سلامت روانی‌شان بهبودی حاصل نشده بود. درواقع، شاخص‌های فیزیکی استرس شدید در چنین افرادی، بدتر از کسانی بود که بیکار باقی مانده بودند.

کدام مورد، با اطلاعات مندرج در متن، بیشترین همخوانی را دارد؟

۱) هر کاری بهتر از بیکاری نیست.

۲) جوجه را آخر پاییز می‌شمارند.

۳) عقل سالم در بدن سالم است.

۴) کار را باید به کاردان سپرد.

۱۱۴- یکی از ویژگی‌های سیستم آموزشی در کشور «الف» که برای من جالب است، این است که برعکس سیستم آموزشی کشور «ب» که اساسش از همان کلاس اول دبستان، مقایسه و فرق گذاشتن بینِ شاگردان کلاس است، در اینجا به‌هیچ‌عنوان نمی‌شود در گفتار و رفتار معلم و استاد، نشانه‌ای از مقایسه، از هر نوعی، بینِ شاگردانش پیدا کرد. وقت آن است که ما نیز به معلمین خود آموزش دهیم که دست از مقایسه کردن در کلاس بردارند.

درستی نتیجه‌گیری متن فوق، بر کدام فرض زیر، استوار است؟

۱) آموزش ضمنِ‌خدمت می‌تواند به ارتقای رابطه معلم و شاگرد، کمک زیادی کند.

۲) اگر مقایسه خوب بود، این کار در سیستم آموزشی کشور «الف» رایج بود.

۳) هریک از رفتارهای ما، ریشه‌های اجتماعی دارد که به آن رفتارها مفهوم می‌بخشند.

۴) در جوامعی که از نظر فرهنگی پیشرفته هستند، بنا بر همکاری است و نه رقابت.

به صفحه بعد بروید.

۱۱۵- بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده، منجر به بروندادهایی می‌شوند که مستقیم یا غیرمستقیم، نه‌تنها به نیازهای کشور پاسخ نمی‌دهند، بلکه حتی در راستای پرسش‌های آن پژوهش نیستند. شاخص‌های استاندارد ارزشیابی یک اثر پژوهشی، معمولاً عبارتند از: کیفیت نگارش، موضوع (بداعت، جذابیت، کاربرد)، قابلیت نمایه شدن، ارجاعات و تأثیر بر سایر پژوهش‌ها (با مفهومی فراتر از ضریب تأثیر). همانگونه که مشخص است، تمامی شاخص‌های ذکرشده، به سنجش اثر، فارغ از هدف و مأموریت پژوهش می‌پردازند.

کدام مورد را می‌توان به درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

۱) شاخص‌های استاندارد ارزشیابی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند.

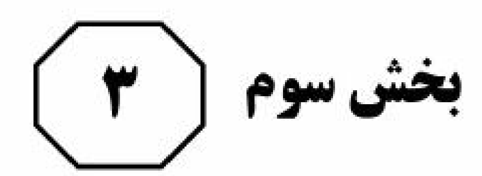
۲) در ارزیابی پژوهش‌های داخلی، نباید تنها به شاخص‌های استاندارد توجه کرد.

۳) برخی پژوهش‌ها با اینکه شاخص‌های استاندارد را رعایت نمی‌کنند، از پژوهش‌های مشابه که این شاخص‌ها را رعایت کرده‌اند، برتر هستند.

۴) بدون تعریفی مشخص از هدف پژوهش، نمی‌توان کاری پژوهشی ارائه داد که بتواند شاخص‌های استاندارد را درست رعایت کند.

پایان بخش دوم

بخش سوم



راهنمایی:

در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به‌دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.

راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۱۶ تا ۱۱۹ پاسخ دهید.

بین چهار خواهر و برادر به اسامی احسان، بهروز، سارا و دریا یک بازی به‌صورت زیر انجام شده است. هرکدام از آنها روی برگه‌ای، نام دو نفر از سه نفر دیگر (دو نام متفاوت) را نوشته است و برگه خود را تحویل داده است. نهایتاً با شمارش کل اسامی نوشته‌شده روی برگه‌ها، کسی که نامش کمتر نوشته شده بود، برنده بازی شد. از اسامی نوشته‌شده روی برگه‌ها، اطلاعات زیر، در دست است:

- **سارا یا نام دریا را ننوشته است یا اگر نوشته، نام احسان را هم نوشته است.**
- **اگر کسی نام بهروز را در برگه خود نوشته باشد، بهروز نیز نام آن فرد را در برگه خود نوشته است و برعکس، هرکس که بهروز نام او را در برگه خود نوشته است، او نیز نام بهروز را در برگه خود نوشته است.**
- **فقط بر روی دو برگه از چهار برگه، اسامی کاملاً مشابهی نوشته شده است.**

۱۱۶- **اگر نام دریا روی هیچ برگه‌ای نوشته نشده باشد، کدام افراد، نام احسان را روی برگه خود نوشته‌اند؟**

۱) فقط سارا و دریا
۲) فقط بهروز و سارا
۳) فقط دریا و بهروز
۴) همه افراد به‌جز خود احسان

۱۱۷- **اگر احسان برنده بازی شده باشد، کدام مورد درخصوص سارا، صحیح است؟**

۱) او نام دریا را روی برگه خود نوشته است.
۲) سه نفر، نام او را روی برگه‌های خود نوشته‌اند.
۳) فقط احسان نام او را روی برگه خود نوشته است.
۴) نام وی به‌همراه نام احسان، روی یک برگه نوشته شده است.

۱۱۸- **اگر دریا، نام‌های برادرهایش را روی برگه خود نوشته باشد، هر دو نام نوشته‌شده روی برگه‌های چند نفر از سه نفر دیگر، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟**

۱) صفر
۲) ۱
۳) ۲
۴) ۳

۱۱۹- **اگر نام دریا روی ۳ برگه نوشته شده باشد، کدام مورد زیر، لزوماً صحیح است؟**

۱) سارا برنده بازی شده است.
۲) احسان برنده بازی شده است.
۳) نام احسان روی سه برگه نوشته شده است.
۴) نام سارا فقط روی یک برگه نوشته شده است.

به صفحه بعد بروید.

راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۲۰ تا ۱۲۳ پاسخ دهید.

سه نفر به اسامی X، Y و Z که هرکدام دارای یک فرزند شاغل هستند، درحالِ گفت‌وگو با یکدیگرند. هرکدام از آنها، از هریک از دو نفر دیگر، یک سؤال درخصوص سن یا جنسیت یا شغل فرزندش می‌پرسد. جمعاً ۶ سؤال پرسیده می‌شود و پاسخ‌ها با صدای بلند، طوری‌که همه بشنوند، داده می‌شود. هر فرد، هم دو سؤال مختلف می‌پرسد و هم به دو سؤال مختلف پاسخ می‌دهد. اطلاعات زیر، موجود است:

- یکی از پاسخ‌هایی که به سؤال Y داده می‌شود، این است: «او معلم است».
- پس از پایان سؤالات، X متوجه می‌شود که Z پسری دارد که ۱۰ سال از دختر خود او، کوچک‌تر است.
- پس از پایان سؤالات، همه می‌دانند که فرزند یکی از این سه نفر، یک مهندس ۳۰ ساله است.

۱۲۰- اگر دو سؤالی که X می‌پرسد، درخصوص شغل و جنسیت باشد، سؤالی که Z از Y می‌پرسد، درخصوص کدام مورد بوده است؟

۱) جنس
۲) شغل
۳) سن
۴) نمی‌توان تعیین کرد.

۱۲۱- اگر سؤال‌های X و Z از یکدیگر، مشابه باشند، کدام‌یک از موارد زیر، به‌طور قطع، مشخص می‌شود؟

I) سؤالی که X از Y می‌پرسد.
II) سؤالی که Z از Y می‌پرسد.
III) سؤالی که Y از X می‌پرسد.

۱) فقط II
۲) فقط III
۳) II و III
۴) I، II و III

۱۲۲- اگر پاسخ Z به X این باشد که: «او ۳۵ ساله است.»، کدام مورد زیر، نمی‌تواند از مشخصات یکی از فرزندان باشد؟

۱) یک دختر مهندس
۲) یک پسر خلبان
۳) معلم ۴۵ ساله
۴) پسر ۴۵ ساله

۱۲۳- اگر پاسخی که X به Z می‌دهد، دقیقاً همان پاسخی باشد که X از Y می‌شنود، پاسخ Z به سؤال Y، چه بوده است؟

۱) او ۲۰ ساله است.
۲) او یک پسر است.
۳) او یک مهندس است.
۴) او ۳۰ ساله است.

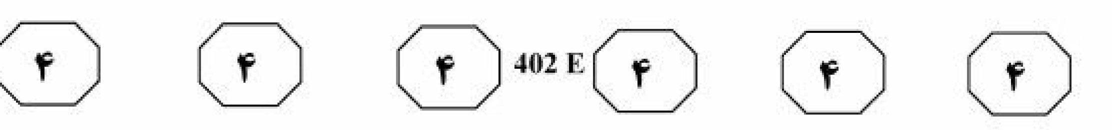
پایان بخش سوم

بخش چهارم ۴

راهنمایی:

این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کمّی، شامل مقایسه‌های کمّی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حلّ‌مسئله و ...، تشکیل شده است.

- توجه داشته باشید به‌خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را براساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.



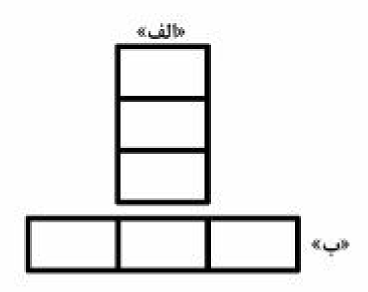
راهنمایی: هرکدام از سؤال‌های ۱۲۴ تا ۱۲۷ را به‌دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

۱۲۴- در شکل زیر، بینِ اعداد ارتباط خاصی برقرار است. به‌جای علامت سؤال، کدام عدد باید قرار بگیرد؟

۱۹	۰	۳	۶
۲	۲۲	۵	?
۳	۴	۲۹	۸
۵	۴	۶	۳۶

۱) ۲
۲) ۶
۳) ۷
۴) ۱۰

۱۲۵- سه کاشی مستطیلی کاملاً مشابه و یکسان در اختیار داریم. به دو صورت زیر، آنها را کنار هم می‌چینیم. در حالت «الف»، مستطیلی با نسبت طول به عرض ۱۸ به ۷ حاصل می‌شود. درحالت «ب»، نسبت طول به عرض مستطیل ساخته‌شده، کدام است؟



۱) ۷ به ۲
۲) ۷ به ۵
۳) ۸ به ۳
۴) ۸ به ۵

۱۲۶- معلمی از دانش‌آموز خود می‌خواهد که عددی یک‌رقمی (۱ تا ۹) را در ذهن خود درنظر بگیرد. معلم از وی می‌خواهد در مرحله اول، آن عدد را دو برابر کند و در مرحله دوم، عدد جدید را به‌علاوه یک کند. در ادامه، در مرحله بعد از آن، عدد جدیِد را دو برابر کند و در مرحله بعد، به‌علاوه یک کند و دانش‌آموز باید این روال را تکرار کند. دانش‌آموز چند عدد متفاوت را می‌تواند طوری انتخاب کند که در مسیر محاسبات، به عدد ۱۹۰ برخورد نماید؟

۱) ۳
۲) ۲
۳) ۱
۴) صفر



۱۲۷- هما چند مرتبه در آزمون زبان شرکت کرده است. نمره وی در هر آزمون، از دو برابر نمره آزمون قبلی‌اش، ۲ نمره کمتر است. اگر وی سه بار آزمون داده باشد و در آزمون دوم، نمره‌اش ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده باشد، در آزمون سوم نسبت به آزمون دوم، نمره‌اش چند درصد افزایش یافته است؟

۱) ۵۷
۲) ۶۰
۳) ۶۶
۴) ۷۵

راهنمایی: سؤال ۱۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده‌شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بینِ مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

۱۲۸- وزن A، ۸۰ درصد وزن B و وزن B، ۸۰ درصد وزن C است.

الف	ب
میانگین وزن سنگین‌ترین فرد و سبک‌ترین فرد	میانگین وزن هر سه فرد

به صفحه بعد بروید.

راهنمایی: با توجه به اطلاعات، نمودار و جدول زیر، به سؤال‌های ۱۲۹ و ۱۳۰ پاسخ دهید.

یک ناشر، تعدادی کتاب در ۴ حوزه اقتصاد، فلسفه، منطق و حسابداری را به کتابخانه دو دانشگاه A و B هدیه می‌دهد. مجموع تعداد کتاب‌های اهدایی توسط این ناشر به هر دو دانشگاه، برابر است. نمودار سمت راست، درصد تعداد کتاب‌های اهدایی در هر حوزه به کل کتاب‌های اهدایی را نشان می‌دهد و جدول ناقص سمت چپ، نسبت کتاب‌های اهدایی به دانشگاه B در هر حوزه به کل کتاب‌های اهدایی توسط این ناشر در همان حوزه را نشان می‌دهد.

«درصد تعداد کتاب‌های اهدایی در هر حوزه به کل کتاب‌های اهدایی به دو دانشگاه»



«نسبت کتاب‌های اهدایی به دانشگاه B در هر حوزه، به کل کتاب‌های اهدایی در همان حوزه»

حوزه	اقتصاد	فلسفه	منطق	حسابداری
نسبت	$\frac{۵}{۱۲}$	$\frac{۳}{۴}$	$\frac{۱}{۲}$	

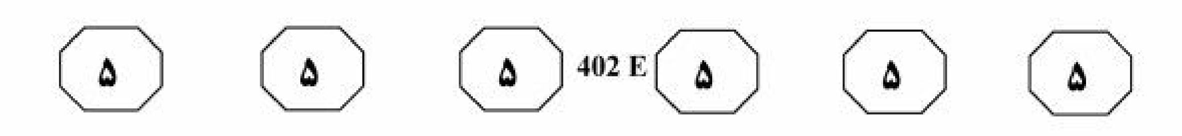
۱۲۹- اگر دانشگاه A، ۱۴ کتاب در حوزه اقتصاد از ناشر هدیه گرفته باشد، دانشگاه B، مجموعاً چند کتاب از این ناشر هدیه گرفته است؟

۱) ۱۰
۲) ۲۴
۳) ۴۰
۴) ۵۶

۱۳۰- کتاب‌های اهدایی در حوزه فلسفه به دانشگاه A، تقریباً چند درصد از مجموع کتاب‌های اهدایی به دانشگاه A در حوزه‌های فلسفه و حسابداری است؟

۱) ۴۳
۲) ۳۳
۳) ۲۵
۴) ۱۷

پایان بخش چهارم



بخش پنجم ۵

راهنمایی:

این بخش، مربوط به سؤالات آزمون زبان عربی ـ عمومی است.

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۳۱ ـ ۱۵۰)

۱۳۱- **عيّن ما لايناسب البقيّة** (من حيث المعنى):

۱) الطّريدان ۲) الخافقان ۳) الملوان ۴) الرّدفان

۱۳۲- **عيّن ما يدلّ على «خروج الرّوح من البدن»!:**

۱) سقط على طوله! ۲) سقط في يده! ۳) سقط رأسه! ۴) سقط في الحياة!

۱۳۳- **عيّن الخطأ عن المرض و العضو المرتبط:**

۱) التّسوّس ← السّنّ ۲) الصُّداع ← الرّأس ۳) المَغَص ← الظّهر ۴) الزّكام ← الأنف

۱۳۴- **عيّن الخطأ:**

۱) هو ثالثة الأثافي = هو الأساس!
۲) ركب ذنب البعير = اقتنع بالقليل!
۳) أنت ضيّق الحوصلة = أنت تعبان!
۴) رُفع القلم عن فلان = لاحرج عليه!

۱۳۵- **عيّن الخطأ:**

۱) صفرتْ وِطابه = مات!
۲) له حفيظة = هو أمين!
۳) طار غرابه = تشيّخ!
۴) طار طائره = غضب!

۱۳۶- **حينما لم يكن الإنسان مقروضًا للآخرين يقال عنه:** إنّه ....

۱) خفيف الظّهر!
۲) خفيف الحركة!
۳) خفيف اليد!
۴) خفيف الرّداء!

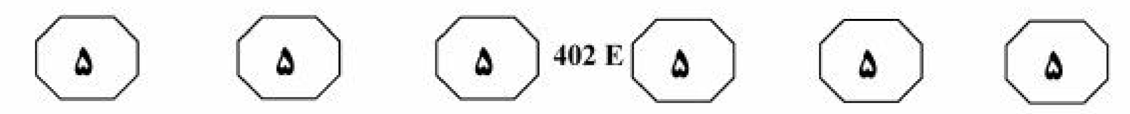
۱۳۷- **حين نريد أن نقول: «فلان بواسطته استطاع أن يجتاز مرقاة الشّهرة»** نقول ....

۱) صعد على كتف فلان!
۲) صعد على ظهر فلان!
۳) صعد على عنق فلان!
۴) صعد على رأس فلان!

۱۳۸- **عيّن ما يرادف «عُقبى لك!»:**

۱) هنيئًا لك! ۲) مبارك لك! ۳) طوبى لك! ۴) ويل لك!

الصفحة التالية



۱۳۹ – عیّن الخطأ في الاستنتاج من المفاهیم التالیة:

۱) رجع بأفوق ناصل = عاد غانماً!

۲) رجع على حافرته = توبة الذّئب الموت!

۳) رمى الكلام على عواهنه = كلامه أضغاث أحلام!

٤) جرت الأعمال على قدم وساق = الأُمور تتماشَى!

۱٤۰ – « هل غادر الشّعراء من متردّم؟!». تقال العبارة لمن ....

۱) یسعى أن یخرج من الانعزال!

۲) یحاول المحاكاة في العمل!

۳) یسعى بالعمل بعد اللُّتیا و الّتي!

٤) یحاول أن یبدع في عمله!

۱٤۱ – عیّن ما یختلف عن البقیّة في المفهوم:

۱) ما إن دخل الأُستاذ الصفّ إذ قام الطّلاب احترامًا له!

۲) لم یدخل الأُستاذ الصفّ حتّى قام الطّلاب احترامًا له!

۳) لم یعد الأُستاذ یدخل الصفّ حتّى قام الطّلاب احترامًا له!

٤) لم یكد الأُستاذ یدخل الصفّ حتّى قام الطّلاب احترامًا له!

۱٤۲ – عیّن الخطأ في المفهوم:

۱) إنّك لا تجني من الشّوك العنب! = یضرب لمن یعمل السّوء فلا یجني إلاّ مثله.

۲) إنّ الحدید بالحدید یفلح! = یضرب للأمر الشّدید الّذي لایؤثّر فیه إلاّ مثله.

۳) عند الرّهان تعرف السّوابق! = یضرب لمن یدّعي ما لیس فیه.

٤) و هل ینهض البازي بغیر جناح! = یضرب في إتمام الأمر.

۱٤۳ – عیّن الخطأ في التّعبیر عن الرقم الهاتفيّ التالي: «۸۸۸۳۵۲۲»:

۱) مكعّب ثمانیة، ثلاثة، خمسة، مكرّر إثنین!

۲) ثمانیة، ثمانیة، ثمانیة، ثلاثة، خمسة، إثنان، إثنان!

۳) مكرّر ثمان، ثلاث و ثمانون، إثنتان و خمسون، إثنان!

٤) ثمانیة و ثمانون، ثلاثة و ثمانون، إثنان و خمسون، إثنان!

۱٤٤ – عیّن الصحیح في التّشكیل:

الغریب في المدن أنّها حرمت سرقة الإبرة و أغمضت العیون على الثراء الفاحش یعیش جنبًا إلى جنب مع الفقر المدقع. و هكذا خدرت ضمیرها بحیلة بارعة دعتها المصلحة! في حین أنّ كلّ ثروة فاحشة تتجمع في ید فرد واحد هي سرقة مفضوحة من المجموع، أو في ید دولة واحدة هي سرقة من باقي الدول!

۱) حَرَّمَتْ. مُدْقِعٍ. خَدَّرَتْ. سَرِقَةٌ

۲) حَرَّمَتْ. إِبْرَة. أُغمِضَت. مُدَّقِع

۳) خَدَرَتْ. دَعَتْها. حینَ. تَتَجمَّعَ

٤) حینٍ. تَتَجَمَّعُ. باقِي. الدُّوَلِ

الصفحة التالية

۱۴۵– عيّن الصحيح في التّشكيل:

۱) أغلِ مُهرَ العُلا إن كنتَ شَهْما!

۲) تَرى أ مَع النَّسمَةِ تَهُبُّ الزّوبعَةُ!

۳) أُحِبُّ أن أتَقَدَّمَ مِن دُونَ أن أدُوسَ مِن هُم دُوني!

٤) النفُوسُ قد يُصدِئُها التَّرَفُ، فلا بُدّ لها مِن نارٍ تُكوَى بها ليذهبَ وَجَعُها!

۱۴۶– عيّن الصحيح في كتابة أو إملاء الكلمات:

۱) يلجَأ. يستمرؤن. بُناة ۲) وتَد. مُتبرِّئًا. يستهزئون

۳) هادِئ. يئنّون. بُدِأ ٤) يُأجّلُ. جُناة. إستبقَى

۱۴۷– أحصِ الأخطاء الإملائيّة:

لا تسلك طريق الكسالى الّذين يمشون الهويناء فيرجعون القهقرى! كن كريمًا فلا تحبس النّدى عن طالب الجدى، و لا تهبط إلى الثّرى واجعل طموحك إلى الذُّرا. أوقِد نارَ القرى كلّما اللّيل سجى و لا تغطّ في الكرى حتّى الضّحى! والله يوفّقك في درب الطّموح و العَلاء!

۱) أربعة ۲) خمسة ۳) ستّة ٤) سبعة

۱۴۸– عيّن الصحيح:

« در پاسخ به این سؤال اشاره کرد که صد و دو هزار پناهنده میان صد و دو کشور از کشورهای جهان بحرانهای ساختگی ایجاد کرده‌اند!»:

۱) فيما يرتبط بجواب هذا السّؤال أعرب بأنّ ألفين و مائة ألف لاجئ قد قامت بأزمات اصطناعيّة بين مائة بلاد و بلدتان من بلاد العالم!

۲) في جواب هذا السّؤال أشار بأنّ مائة ألف و لاجئان اثنان قد قامت باختلاق أزمة بين مائة و اثنين دولة من دول العالم!

۳) في جواب هذا السّؤال أشار بأنّ مائة و اثنين ألف لاجئ قد أوجدت أزمات صناعية بين مائة بلدةٍ و بلدتين من بلاد العالم!

٤) ردًا على هذا السّؤال أدلى بأنّ مائة ألف لاجئ و ألفين قد اختلقت أزمات بين مائة دولة و دولتين من دول العالم!

۱۴۹– عيّن الخطأ:

۱) $\frac{۱}{۹}$ کیک مال شما است = لك تُسع من الكعك!

۲) $\frac{۳}{۴}$ کتاب خوانده شده است = ثلاثة أرباع من الكتاب قد قُرئ!

۳) $\frac{۱}{۳}$ دانشجویان به سفری علمی رفتند = ذهب ثلثان من الطّلاب إلى سفرة استطلاعيّة!

٤) ۱۲٫۷ متر از پارچه دوخته شده است = قد خيط من القماش إثناعشر مترًا و سبعةٌ من العشرة!

الصفحة التالية

۱۵۰- عيّن سؤالاً لم يأت جوابه في النصّ:

إنّ من الضّروريّ القضاء على ظاهرة الإرهاب، و هذا يتطلّب إعادة النّظر في أسباب العنف الّتي تكتنف بعض البلدان العربيّة! فالإرهاب الحكوميّ لا يقلّ خطرًا عن الإرهاب الفردي إن لم يفق عليه نظرًا لما لدى السّلطات من أساليب و أسلحة!

۱) كيف يمكن إنقاذ الجماهير من براثن الإرهاب؟
۲) لماذا خطر الإرهاب الفردي أقلّ من الإرهاب الحكومي؟
۳) ما هو رأي الكاتب حول موضوع ظاهرة الإرهاب و أنواع ذلك؟
٤) مَن المسبّب الرئيس على القيام بظاهرة الإرهاب التي تكتنف بعض البلدان العربيّة؟

■ ■ اِقرأ النّصين التاليين (ألف ـ ب) بدقّة ثم أجب عن الأسئلة (۱۵۱ ـ ۱٦۰) بما يناسب النص

■ ألف (۱۵۱ ـ ۱۵۵)

إنّه ينبغي زحزحة النّقاش حول الدّعوات الإسلاميّة و تصرّفات الغربيين من الأرضية الاكاديمية و الانفعالية و الايديولوجيّة و حتى الهلوسية الّتي كان قد اُبقي رازحًا فيها حتّى الآن نحو أرضيّة اُخرى جديدة تتمثّل بالمقابلة المنهجيّة بين المفاهيم الموضوعيّة الثّلاثة: الخطابات الإسلامية و الاستشراقية و الفكر العلمي! أقصد بذلك المقابلة بين الخطابات الإسلامية و الخطابات الاستشراقية الّتي لا تعرف كيف تتفاهم و لا تستطيع أن تتواصل بالفكر العلميّ الّذي تدّعي هذه الخطابات المتضاربة التقييد به أو السيطرة عليه. إنّ الدراسات الاستشراقية لاتزال تدرس المجتمعات الاسلاميّة من منظار اُحاديّ لا يهتمّ بالقدرات و الطاقات المكنونة في هذه المجتمعات. إنّ الفكر العلمي يقيم مسافة نقديّة متساوية بينه و بين الخطابات الإسلامية و الخطابات الاستشراقية، و ذلك من أجل موضعة و تحديد مكانتهما الابيستمولوجيّة. إنّ مثل هذا العمل يفترض إمكانية احتلال موقع معرفي مختلف عن المواقع الّتي ينتمي إليها نموذجا الخطابين المذكورين آنفًا، إنّه يوجد اليوم فكر علمي و ممارسة علميّة يستهدفان ضمن حركة ثقافيّة و عقليّة واحدة تحقيق بعض المبادئ التي كانت تختلف عمّا تكون!

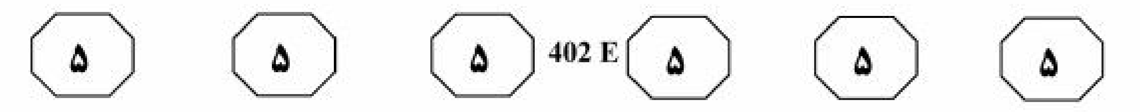
۱۵۱- الفرق الرّئيس بين فضاءات النقاش قبل الانتقال و بعده هو ....

۱) الاهتمام بالاستفادة من مسبار المنهج العلمي في المفاهيم العينية التي تواجهها مجتمعاتنا!
۲) عدم الاهتمام بالسّاحات الأكاديمية و الجامعية و الغور في غير ما يعرفه المجتمع!
۳) فقدان الحوار بين الجاليات الإسلامية و الاستشراقية و العلمية!
٤) غياب الدراسات الاستشراقية في المرحلتين!

۱۵۲- لماذا نحن بحاجة إلى تغيير ساحة الحوار؟

۱) لأنّه قد اُبقي النقاش في تلك السّاحة رازحاً!
۲) لضرورة المقابلة المنهجيّة بين المواضيع!
۳) بسبب تغيير المواضيع المدروسة!
٤) حتّى نستهدف حركة ثقافية و عقليّة!

الصفحة التالية



۱۵۳- عيّن الصحيح للفراغين: الطريقة العلمية تعرّفنا .... للظاهرة و تبيّن ....

۱) المسافة النقدية / المساواة بينها
۲) المكان الحقيقي / موقعها المعرفيّ
۳) كيفية التفاهم / مكانتها
٤) الحركة الثقافية / بعض مبادئها

۱٥٤- عيّن الخطأ:

۱) ما يطلب تغييره هو الاهتمام بتغيير الرؤية و المنهج!
۲) الخطابات بين الغربيّين و الشرقيّين لاتزال غير مُرضية!
۳) لم نر ولانشاهد جهدًا ملموسًا يستهدف تغيير إطار البحث و استخدام المعايير الجديدة للمعرفة!
٤) ما كانت مسيطرة حتّى الآن على ساحات النقاش تدور حول ما يرى الغربيون تجاه البلدان الإسلامية!

۱٥٥- عيّن الصحيح: ساحة النقاش لم تكن على أساس ....

۱) الاتّجاه العلمي!
۲) المواجهات الأكاديمية!
۳) الرغبة في العواطف و المشاعر!
٤) الاهتمام بالمعتقدات!

■ **ب (۱٥٦ ـ ۱٦۰)**

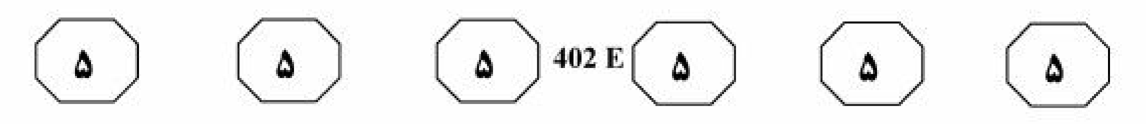
منظّروا علم الاقتصاد يعتقدون أنّ الرؤية التقدّمية لاستمرارية التنمية و ضمان تحقّق أهدافها المستقبليّة يمكن تحقيقها من خلال اتّساع رقعة الاستثمار و مبادرات تتناسب و الطبيعة و معطيات الزمان و خاصّة زيادة أعداد رجال الأعمال القادرين على فتح مجالات جديدة مبتكرة. في هذا الجانب المجموعات العمّاليّة تعتقد أنّ التّنمية بحاجة إلى توحيد الإعفاءات الضريبيّة التي يدفعها المستثمرون و الاهتمام بالتجارة و التسويق و السعي الحثيث لإيجاد العلاقات الإيجابيّة مع الجهاز المصرفي و التوسّع في مراكز التدريب! لكنّ المعنيّين بالأمر يؤكّدون أنّ هذه التصرفات إذا لم تكتمل بتقنين قوانين لازمة لإيجاد الانتعاش في المراكز المعنيّة بالموضوع فلا فائدة منها! فإنّها بيت القصيد في ساحة التّوسعة.

و أخيراً يجب أن تهيّئ هذه الأُمور الأرضيّة اللاّزمة لتفعيل الطّلبات على المنتجات الوطنية. و هكذا يصاب الانتاج العشوائي بالعراقيل فيحسّ بأنّه للترشيد و رفع المستوى بحاجة إلى تغيير الرؤى، فالتنمية بحاجة إلى إقامة كيانات جديدة لاستضافة المشروعات الصغيرة للشباب من خلال التأجير أو التمليك و إتاحة الفرصة أمام الاقتراض من أجل الانتاج حتّى تُسخَن الأسواق الوطنية و تحمى الأيدي العاملة الأصيلة!

۱٥٦- ما هي أحد المقترحات المعروضة لإيجاد التنمية و استمرارها؟ صف لنا ذلك!

۱) توظيف رجال الأعمال القادرين على إيجاد العلاقات الإيجابية مع الأسواق العالمية!
۲) تقنين القوانين اللاّزمة في مجال إقامة كيانات جديدة لاستضافة المشروعات!
۳) السعي الحثيث و الاهتمام البالغ لإيجاد العراقيل أمام الإنتاج العشوائي!
٤) عصرنة تلك المشاريع و تأقلمها البيئي يضمنان توسيع رقعة التنمية!

الصفحة التالية



۱۵۷- متی تعتبر الجهود المبذولة في مجال التنمية مفيدة؟

۱) حين تُسنّ القوانين الديناميكية الّتي تضخّ الحياة في عروق المؤسسات المرتبطة بالموضوع!

۲) إذا دخلت الجهازات المصرفيّة في صميم القرارات و تحسّنت علاقات المراكز معها!

۳) حين قمنا بارتقاء المراكز المعنيّة و سعينا في تفعيل الطّلبات على المنتجات الوطنية!

٤) البيت القصيد في هذا المجال هو تغيير الرؤى حول الاستفادة من الطّاقات الشّبابيّة!

۱۵۸- ما هو القسيم المشترك في طلبات المؤسّسات العمّالية و أصحاب الرأي الاقتصاديّين؟

۱) إعفاء الضّرائب عن أصحاب التمويل!

۲) دعامة المنتجات الوطنيه!

۳) توسيع دائرة التعليمات للمعنيّين بذلك!

٤) إتّساع مراكز البيع و الشراء!

۱۵۹- عيّن <u>الخطأ</u>: الأسواق الداخلية تسخّن إذا ....

۱) شجّعت الحكومة أخذ مساعدات للانتاج!

۲) كثرت المعامل و مراكز العمل الصّغيرة!

۳) اتّسع عدد رجال الأعمال التقليدية!

٤) دخل الشّباب ساحة الانتاج!

۱٦۰- عيّن <u>الخطأ</u>:

۱) التأجير أو التمليك يتيح الفرصة للشّباب ليستفيدوا من المساعدات الحكومية!

۲) حذف الإعفاءات الضّريبيّة من ساحة الإنتاج هو أحد أسباب انتعاش الأسواق!

۳) الغاية من كلّ هذه المشاريع و المقترحات هي إيجاد الرغبة في شراء الإنتاجات الوطنية!

٤) من ميزات الإنتاج العشوائي أنّه لا يشعر بأهميّة الرؤية و أثرها على ساحة الواقع و الإنتاج!

خاتمة القسم الخامس